

تجزیه و تحلیل اثرات اقتصادی گردشگری پایدار پیرامون بهبود عدالت فضایی روستایی (نمونه موردی: شهرستان طرقله و شاندریز)

وکیل حیدری ساربان^۱، ارسطو یاری حصار^۲، بهرام ایمانی^۳، طیبه گل‌ریز^۴

مقاله پژوهشی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثرات اقتصادی گردشگری پایدار بر عدالت فضایی در نواحی روستایی شهرستان طرقله و شاندریز انجام شده است. در این مطالعه، عدالت فضایی به معنای توزیع متوازن امکانات، فرصت‌های اقتصادی و خدمات گردشگری در میان روستاها و گردشگری پایدار به عنوان فعالیت تعریف شده است که ضمن ایجاد منافع اقتصادی، موجب حفظ منابع طبیعی و فرهنگی منطقه می‌شود. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق شامل ۵۴ روستا در شهرستان بینالود است که براساس مطالعات مقدماتی و بر مبنای شناختی که از منطقه حاصل شد ۱۹ روستا به عنوان هدف مطالعه انتخاب و در مرحله بعد پرسش‌نامه‌ها به صورت تصادفی ساده بین جامعه هدف توزیع و تکمیل گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته‌ای بود که سه بُعد: «درآمد و اشتغال»، «زیرساخت‌های گردشگری» و «توزیع فضایی فرصت‌های اقتصادی» را می‌سنجید. روایی صوری و محتوایی با نظر خبرگان و پایایی با آلفای کرونباخ (۰/۸۳) تأیید شد. تحلیل داده‌ها با آزمون «کولموگروف-اسمیرنوف»، رگرسیون چندمتغیره و مدل معادلات ساختاری (SEM) در نرم‌افزارهای «SPSS» و «SmartPLS3» انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که اثرات اقتصادی گردشگری پایدار، تأثیر مثبت و معناداری بر عدالت فضایی دارند ($\beta = 0.728, R^2 = 0.530, p < 0.001$). نتایج بیانگر آن است که توسعه گردشگری پایدار می‌تواند در صورت مدیریت عادلانه منابع، به تعادل فضایی در مناطق پیرامونی شهرستان طرقله و شاندریز منجر شود. در نهایت، با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادات کاربردی ارائه شده است.

جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای
بهار ۱۴۰۵، سال ۱۶، شماره ۵۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰
انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴
صفحات: ۴۴-۲۳



واژه‌های کلیدی:

توسعه اقتصادی، گردشگری پایدار، عدالت فضایی، توسعه روستایی، شهرستان طرقله و شاندریز.

مقدمه

در دهه اخیر، مفهوم عدالت فضایی به عنوان یکی از اصول بنیادین توسعه متوازن و پایدار، توجه فزاینده‌ای را در محافل دانشگاهی و سیاست‌گذاری به خود جلب کرده است. عدالت فضایی، در معنای هنجاری خود، بر توزیع عادلانه منابع، فرصت‌ها و خدمات در میان مناطق مختلف جغرافیایی تأکید دارد؛ به گونه‌ای که هیچ منطقه‌ای صرفاً به دلیل موقعیت مکانی یا سطح توسعه‌یافتگی از منافع عمومی محروم نماند. به تعبیر گودوین-هاوکینز و همکاران (۲۰۲۳)، عدالت فضایی زمانی محقق می‌شود که مناطق بتوانند ظرفیت خود را برای تعریف و پیگیری فعالانه عدالت ابراز کنند و رفاه و کیفیت زندگی را براساس اولویت‌ها و قابلیت‌های خاص خود شکل دهند. از منظر نظری، عدالت فضایی و نابرابری فضایی رابطه‌ای دوسویه دارند. نابرابری فضایی به تفاوت در دسترسی به منابع، خدمات، زیرساخت‌ها و فرصت‌های اقتصادی میان مناطق مختلف اشاره دارد (آچمانی و همکاران، ۲۰۲۰).

Vheidari6490@gmail.com

arastoo.yari@gmail.com

Bahram_imani60@yahoo.com

tybhgly608@gmail.com

۱- استاد گروه برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)

۲- استاد گروه برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۳- دانشیار گروه برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۴- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

چنین نابرابری‌هایی معمولاً بازتابی از شکاف‌های درآمدی، آموزشی، خدماتی و اجتماعی هستند و در نهایت موجب بروز الگوهای ناعادلانه توسعه در مقیاس محلی و منطقه‌ای می‌شوند (میلانز و همکاران، ۲۰۲۰). تداوم این نابرابری‌ها نه تنها عدالت اجتماعی را تضعیف می‌کند بلکه کارایی سیستم‌های منطقه‌ای را نیز کاهش می‌دهد و به استفاده ناکارآمد از منابع، مهاجرت‌های بی‌رویه، رشد حاشیه‌نشینی و افت کیفیت زندگی منجر می‌شود (پتراکوس و همکاران، ۲۰۲۱؛ حیدری ساربان، ۱۳۹۷).

در چنین بستری، یکی از حوزه‌های اثرگذار بر عدالت فضایی، گردشگری پایدار است. گردشگری به‌عنوان بخشی پویا از اقتصاد جهانی، قادر است در صورت مدیریت صحیح، نقش مهمی در توزیع متوازن منافع اقتصادی و اجتماعی میان مناطق مختلف ایفا کند. رویکرد گردشگری پایدار تأکید دارد که توسعه این بخش باید با مشارکت جوامع محلی، حفاظت از محیط‌زیست و بهره‌برداری منصفانه از منابع همراه باشد (متاپور و جیامپیکولی، ۲۰۲۰). از این منظر، گردشگری پایدار می‌تواند ابزاری کارآمد برای کاهش نابرابری‌های فضایی، ارتقای زیرساخت‌ها، ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش سطح رفاه در مناطق روستایی باشد (حیدری ساربان، ۱۳۹۶).

با وجود این، در بسیاری از مناطق، به‌ویژه در نواحی پیرامونی شهرهای بزرگ، توزیع فعالیت‌های گردشگری به شکل نامتوازن انجام می‌شود. تمرکز سرمایه‌گذاری و ارائه خدمات در معدودی از نقاط برخوردار، سبب شده است سایر سکونت‌گاه‌ها از منافع اقتصادی گردشگری بی‌بهره بمانند. بررسی‌های میدانی پژوهشگر در شهرستان بینالود (شامل بخش‌های طرقله و شاندیز) نشان می‌دهد که بیشتر فعالیت‌های گردشگری در روستاهای برخوردار مانند: زشک، کنگ و جاغرق متمرکز شده‌اند، در حالی که سایر روستاها از نظر زیرساخت‌های رفاهی، خدمات عمومی و فرصت‌های اقتصادی در وضعیت نامناسب‌تری قرار دارند. این تمرکز فضایی موجب بروز الگوهای نابرابر توسعه شده است که می‌توان نمودهای آن را در چند دسته اصلی مشاهده کرد:

اقتصادی: افزایش شکاف درآمدی، اشتغال ناپایدار و تمرکز فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق محدود. اجتماعی: ضعف مشارکت محلی، احساس ناتوانی اجتماعی، و کاهش انسجام فرهنگی در روستاهای کم‌برخوردار. زیرساختی و خدماتی: نابرابری در دسترسی به خدمات دولتی، آموزش، بهداشت و فناوری‌های دیجیتال. زیست‌محیطی: استفاده ناپایدار از منابع و کاهش آگاهی زیست‌محیطی در جوامع روستایی محروم.

چنین وضعیتی در سطح منطقه‌ای، نه تنها بازتولیدکننده الگوهای ناعادلانه فضایی است بلکه مانعی جدی در مسیر تحقق اهداف توسعه پایدار روستایی نیز محسوب می‌شود؛ از این‌رو، بررسی علمی رابطه میان اثرات اقتصادی گردشگری پایدار و شاخص‌های عدالت فضایی ضرورتی انکارناپذیر دارد؛ به‌ویژه در مناطقی مانند شهرستان بینالود که از ظرفیت بالای طبیعی و فرهنگی برخوردارند اما از نابرابری فضایی نیز رنج می‌برند. پژوهش حاضر در پی آن است که با تبیین پیوندهای نظری و تجربی میان گردشگری پایدار و عدالت فضایی، خلأهای مفهومی موجود در ادبیات برنامه‌ریزی روستایی ایران را پر کند و راهکارهایی مبتنی بر شواهد برای سیاست‌گذاری توسعه روستایی و منطقه‌ای ارائه دهد. بر این اساس، پرسش اصلی تحقیق چنین است: آیا میان اثرات اقتصادی گردشگری پایدار و سطح تحقق عدالت فضایی در نواحی روستایی شهرستان بینالود رابطه معناداری وجود دارد؟

پاسخ به این پرسش، می‌تواند درک روشن‌تری از نقش گردشگری پایدار در توزیع فضایی منافع توسعه و در نهایت، در تحقق عدالت فضایی فراهم آورد.

ادبیات نظری

مفهوم عدالت فضایی در دهه‌های اخیر به یکی از محورهای اصلی مطالعات توسعه منطقه‌ای و برنامه‌ریزی فضایی تبدیل شده است. عدالت فضایی به‌طور کلی بر توزیع عادلانه منابع، فرصت‌ها و خدمات در قلمروهای مکانی تأکید دارد و در نهایت در محیط فیزیکی تحقق می‌یابد (ستیان‌تو و گاما^۱، ۲۰۲۱: ۱). بنیان نظری این مفهوم نخستین‌بار توسط لغبور (۱۹۶۸) با طرح ایده «تولید فضا» شکل گرفت. او فضا را نه پدیده‌ای طبیعی بلکه محصولی اجتماعی می‌دانست که تحت تأثیر قدرت، سرمایه و برنامه‌ریزی شکل می‌گیرد (زالکیس و همکاران، ۲۰۲۴: ۴۶۹). هاروی (۱۹۷۳) نیز با نگاهی اقتصادسیاسی به شهر و فضا، بی‌عدالتی فضایی را پیامد نظام سرمایه‌داری و تمرکز قدرت در فضاهای خاص دانست. در ادامه، ادوارد سوچا (۲۰۱۰) عدالت فضایی را به‌عنوان بُعد جغرافیایی عدالت اجتماعی معرفی کرد و بر سه مؤلفه کلیدی آن تأکید داشت: عدالت توزیعی (نحوه تخصیص منابع و خدمات)، عدالت رویه‌ای (مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها)، و عدالت شناختی یا فرهنگی (به‌رسمیت‌شناختن تفاوت‌ها و نیازهای گروه‌های اجتماعی (جونز و همکاران، ۲۰۲۰: ۸۹۷) (روییز پرز و همکاران، ۲۰۲۳: ۲). در سنت فلسفه سیاسی، جان رالز (۱۹۷۱) عدالت را بر مبنای اصول آزادی برابر و برابری فرصت‌ها تبیین کرد. اندیشه او بنیانی اخلاقی برای عدالت فضایی فراهم می‌کند زیرا توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در فضا را یکی از نموده‌های عدالت اجتماعی می‌داند (عباسی و همکاران، ۲۰۲۴: ۲۹۷). در مقابل، آیریس یانگ (۱۹۹۰) بر عدالت رویه‌ای تأکید داشت و معتقد بود عدالت زمانی محقق می‌شود که فرآیندهای تصمیم‌گیری فراگیر، مشارکتی و پاسخ‌گو باشند (باون‌یک و توسن^۲، ۲۰۲۵: ۲). در نتیجه، رویکرد ترکیبی رالز-لغبور-سوچا می‌تواند چارچوبی جامع برای تحلیل عدالت فضایی در زمینه‌های روستایی و منطقه‌ای فراهم آورد چراکه این سه نظریه به‌ترتیب، ابعاد فلسفی (اخلاقی)، ساختاری (فضایی) و کارکردی (فرآیندی) عدالت را پوشش می‌دهند (اولینو و همکاران، ۲۰۲۴: ۲۲). در ایران، مفهوم عدالت فضایی طی دو دهه اخیر وارد ادبیات برنامه‌ریزی منطقه‌ای و روستایی شده است. پژوهش‌هایی چون: حیدری ساربان (۱۳۹۷)، حاتمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، و سعیدی‌منفرد و همکاران (۱۳۹۹) بر نابرابری‌های فضایی در زمینه‌هایی مانند: دسترسی به خدمات عمومی، اشتغال، زیرساخت و کیفیت زندگی تأکید کرده‌اند. براساس این مطالعات، عدالت فضایی در محیط روستایی ایران را می‌توان با شاخص‌هایی چون: دسترسی به زیرساخت‌های فیزیکی (راه، آب، برق، اینترنت)، دسترسی به خدمات اجتماعی (آموزش، بهداشت، امنیت)، فرصت‌های اشتغال و درآمد پایدار و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی سنجید. این شاخص‌ها در چارچوب عدالت فضایی سوچا، به‌ترتیب در سه بُعد: توزیعی، رویه‌ای و فرهنگی قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، مفهوم گردشگری پایدار در دهه ۱۹۹۰ میلادی توسط سازمان جهانی گردشگری (UNWTO) در قالب سه بُعد: اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مطرح شد. بر این اساس، گردشگری پایدار فعالیتی است که ضمن تأمین منافع اقتصادی برای جامعه میزبان، به حفاظت از محیط‌زیست و ارتقای رفاه اجتماعی نیز منجر می‌شود. در بافت روستایی، این نوع گردشگری زمانی موفق است که منافع حاصل از آن به‌طور عادلانه میان گروه‌های اجتماعی و مکانی توزیع شود (هال، ۲۰۰۹؛ هیگینز-دسبیلوز و

1. Setianto&Gamal

2. Zaleckis

3. Jonese

4. Ruiz Perez

5. Bavnbaek&Thuesen

6. Avelino

همکاران، ۲۰۱۹). در نتیجه، می‌توان عدالت فضایی را به‌عنوان بُعدی کلیدی از گردشگری پایدار روستایی در نظر گرفت. اگر توزیع سرمایه‌گذاری، زیرساخت و فرصت‌های اشتغال ناشی از گردشگری به‌صورت نابرابر باشد، این فرآیند نه تنها به توسعه منجر نمی‌شود بلکه موجب بازتولید فضاها و نابرابر و تعمیق شکاف‌های توسعه‌ای می‌گردد. پژوهش‌های ایرانی در حوزه گردشگری روستایی (مانند خانی و همکاران، ۱۴۰۰؛ حاتمی‌نژاد، ۱۳۹۹) نیز نشان داده‌اند که تمرکز فعالیت‌های گردشگری در چند روستای برخوردار، به محرومیت سایر روستاها از منافع اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود؛ بنابراین، توزیع فضایی فرصت‌های گردشگری نقشی اساسی در تحقق عدالت فضایی دارد. از منظر نظری، ارتباط میان گردشگری پایدار و عدالت فضایی را می‌توان در قالب سه سازوکار اصلی تبیین کرد. سازوکار اقتصادی: توزیع فضایی فرصت‌های شغلی، درآمد و سرمایه‌گذاری؛ سازوکار اجتماعی-فرهنگی: ارتقای مشارکت محلی و حفظ تنوع فرهنگی در تصمیم‌گیری‌های گردشگری؛ سازوکار زیست‌محیطی: بهره‌برداری پایدار از منابع و توزیع متوازن بار زیست‌محیطی میان مناطق گردشگرپذیر.

بر این مبنا، چارچوب نظری پژوهش حاضر تلفیقی از مدل عدالت فضایی سوگا و چارچوب سه‌بعدی گردشگری پایدار (UNWTO) است. در این چارچوب، اثرات اقتصادی گردشگری پایدار (متغیر مستقل) از طریق شاخص‌هایی چون: اشتغال‌زایی، تنوع فعالیت‌های اقتصادی، ارتقای زیرساخت و سرمایه‌گذاری محلی بر عدالت فضایی (متغیر وابسته) تأثیر می‌گذارد. عدالت فضایی نیز از طریق سه بُعد؛ توزیعی، رویه‌ای و فرهنگی ارزیابی می‌شود؛ بنابراین، انتخاب نظریه‌های لفتور، رالز و سوگا در این پژوهش بر پایه ویژگی‌های میان‌رشته‌ای عدالت فضایی انجام شده است. نظریه تولید فضا (لفتور) به درک سازوکارهای قدرت و سرمایه در شکل‌گیری فضاها و نابرابر کمک می‌کند؛ نظریه عدالت رالز مبنای اخلاقی و هنجاری عدالت را در توزیع منافع گردشگری فراهم می‌آورد و نظریه عدالت فضایی سوگا امکان سنجش عملی و بُعدی عدالت را در محیط‌های روستایی میسر می‌سازد. بدین ترتیب، ترکیب این سه نظریه چارچوبی جامع برای تحلیل اثرات اقتصادی گردشگری پایدار بر عدالت فضایی در سطح نواحی روستایی ارائه می‌کند. در نهایت، ادبیات نظری موجود نشان می‌دهد که عدالت فضایی نه تنها مفهومی توصیفی بلکه ابزاری تحلیلی برای ارزیابی میزان پایداری توسعه روستایی است. درک ارتباط دوسویه میان عدالت فضایی و گردشگری پایدار می‌تواند به طراحی سیاست‌هایی منجر شود که همزمان به بهبود کیفیت زندگی، کاهش نابرابری‌های فضایی و تقویت تاب‌آوری جوامع روستایی بینجامد. بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش می‌کند با اتکا به چارچوب نظری عدالت فضایی سوگا و مدل سه‌بعدی گردشگری پایدار رابطه میان اثرات اقتصادی گردشگری پایدار و تحقق عدالت فضایی در نواحی روستایی شهرستان طرقله و شان‌دیز را تبیین و آزمون کند.

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی در حوزه عدالت فضایی و گردشگری پایدار، به‌ویژه در نواحی روستایی، انجام شده‌اند که هر یک از منظر خاصی به واکاوی چالش‌ها، فرصت‌ها، سازوکارها و مدل‌های موفق توسعه در این حوزه پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، نقش مهمی در تبیین مفاهیم نظری و ارائه راهکارهای کاربردی برای برنامه‌ریزی گردشگری پایدار داشته‌اند.

برای نمونه، ویلووساراسین^۱ (۲۰۲۵) با مطالعه موردی جزیره توریستی «پوکت»، بررسی می‌کند که گردشگری کیفی چگونه در این جزیره تحقق یافته و چگونه قدرت بین زنجیره‌های بزرگ هتل‌های بین‌المللی و اپراتورهای محلی هتل در زمینه توسعه گردشگری شکل گرفته است. با استفاده از چارچوب اقتصاد سیاسی انتقادی و روش کیفی که شامل: تحلیل اسناد رسمی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مشاهده مشارکتی است، نویسندگان نتیجه می‌گیرند که گردشگری کیفی در پوکت، گرچه به‌عنوان شکلی از گردشگری پایدار توجیه شده، در واقع بیشتر شبیه گردشگری لوکس است. این امر منجر به تمرکز بیشتر ثروت در دست زنجیره‌های بزرگ هتلداری و گروه‌های املاک و مستغلات شده که از سیاست‌های مرتبط با گردشگری کیفی بهره برده و سبد دارایی‌های خود را گسترش داده‌اند در حالی که به ضرر ذی‌نفعان محلی بوده است. در مطالعه‌ای دیگر، داس^۲ و همکاران (۲۰۲۵) در مقاله‌ای تحت عنوان آشکارسازی موضوعات گردشگری پایدار با مدل‌سازی موضوعی مبتنی بر یادگیری ماشین هفت موضوع کلیدی نقش گردشگری پایدار در رشد اقتصادی، حفاظت از محیط‌زیست و تقویت تاب‌آوری جوامع را به‌تصویر می‌کشند. پژوهشگران در مجموع نشان می‌دهند که گردشگری می‌تواند نقشی فراگیر در تحقق اهداف توسعه پایدار ایفا کند، به شرط آن که توازن میان منافع اقتصادی، پایداری زیست‌محیطی و عدالت اجتماعی برقرار شود یافته‌های این پژوهش به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک کمک می‌کند و بر لزوم اتخاذ رویکردی دقیق‌تر و حساس‌تر نسبت به زمینه‌های منطقه‌ای در گردشگری پایدار تأکید دارند. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده پیوند قوی میان گردشگری پایدار و چندین هدف توسعه پایدار است. در پژوهشی، آنیرامو^۳ و همکاران (۲۰۲۵) ارزیابی گردشگری پایدار و رضایت گردشگران را با استفاده از تحلیل اهمیت-عملکرد و روش رگرسیون مورد بررسی قرار دادند. هدف اصلی این پژوهش، ارزیابی جاذبه‌های اکوتوریسمی، امکانات گردشگری، سطح رضایت گردشگران و شیوه‌های اکوتوریسمی با هدف تدوین چارچوبی برای پایداری گردشگری بوده است. محققان نشان دادند که وجود امکانات و خدمات گردشگری نقش مؤثری در رضایت، میزان بازدید و احتمال بازگشت مجدد گردشگران دارد. با این حال، سطح پایداری در تمام مقاصد اکوتوریسمی پایین گزارش شد؛ بنابراین، برای افزایش رضایت گردشگر، بهبود رفتار در مقاصد اکوتوریسمی و دستیابی به گردشگری پایدار، پابندی دقیق به اصول اکوتوریسم ضروری است. در پژوهشی تجربی، پینتو^۴ و همکاران (۲۰۲۵) به بررسی رابطه گردشگران با مفهوم کاهش رشد و پایداری می‌پردازند. در این تحقیق تجربی، حوزه نسبتاً ناشناخته تعامل گردشگران با کاهش رشد مورد بررسی قرار گرفته است. با استفاده از یک نظرسنجی آنلاین و نمونه‌ای متشکل از ۲۶۱ شرکت‌کننده که به‌صورت نمونه‌گیری آسان از طریق توزیع آنلاین جمع‌آوری شده‌اند، پژوهشگران به دنبال کشف جنبه‌های کلیدی رفتار گردشگران و دسته‌بندی آن‌ها براساس نگرششان نسبت به پایداری و کاهش رشد است. نتایج نشان می‌دهد که مفهوم کاهش رشد برای گردشگران تا حد زیادی ناآشنا است. جالب این که، افرادی که رفتارهای سفر پایداری دارند، هم‌راستار با اصول کاهش رشد عمل می‌کنند. در مقابل، گردشگران جوان‌تر تمایل کمتری به رفتارهای پایدار نشان داده و نسبت به پذیرش ایدئولوژی‌های کاهش رشد مقاومت بیشتری دارند. این یافته‌ها بر پتانسیل کاهش رشد در مواجهه با چالش‌های پایداری در صنعت گردشگری تأکید می‌کنند و اهمیت مشارکت گردشگران و جوامع محلی را در ایجاد تغییر به-

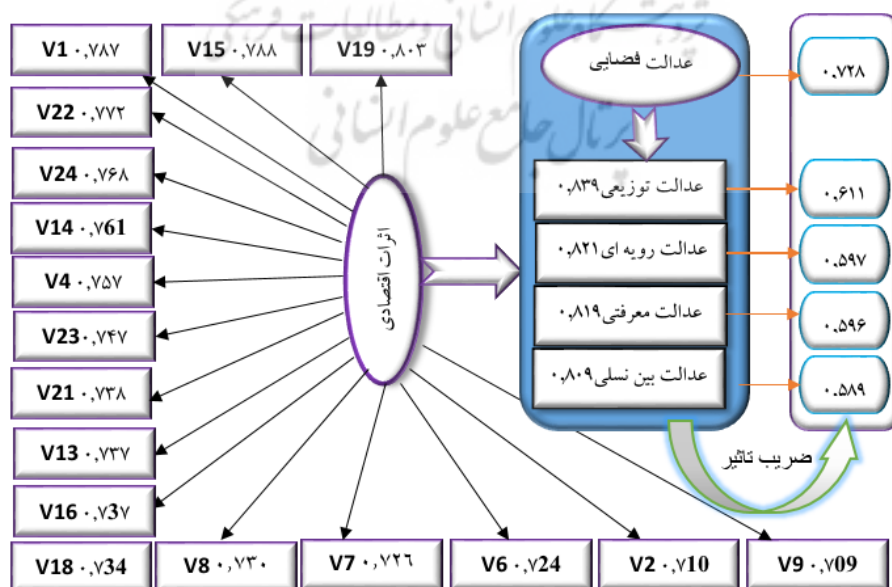
^۱ . Veilleux & Sarra

^۲ . Das

^۳ . Aniramu

^۴ . Pinto

سمت شیوه‌های گردشگری پایدارتر برجسته می‌سازند. در پژوهشی دیگر، پرویز و همکاران (۲۰۲۵) نیز به بررسی رابطه بین توسعه صنعت گردشگری و کاهش کیفیت محیط‌زیست در پاکستان پرداخته‌اند که تمرکز ویژه‌ای بر تجارت و توسعه زیرساخت‌ها داشته است. در این پژوهش از روش ترکیبی استفاده شده که تحلیل داده‌های عددی و بررسی‌های موضوعی را با هم تلفیق کرده است همچنین، اثربخشی مقررات و اقدامات زیست‌محیطی موجود در پاکستان برای دستیابی به گردشگری پایدار ارزیابی شده است. نتیجه‌گیری شد که استراتژی‌های توسعه پایدار مانند: سیاست‌های تجاری دوستدار محیط‌زیست، زیرساخت‌های مقاوم در برابر تغییرات اقلیمی و شیوه‌های گردشگری پایدار باید در اولویت دولت و سیاست‌گذاران قرارگیرد تا اثرات منفی توسعه گردشگری کاهش یابد. از منظر عدالت در سطح کلان، رستگار و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله «گردشگری، بحران‌های جهانی و عدالت: بازاندیشی، بازتعریف و جهت‌گیری مجدد به آینده گردشگری» به تحلیل نقش گردشگری در مواجهه با بحران‌های جهانی و تأثیر آن بر مفاهیم عدالت در مقیاس جهانی پرداخته و پیشنهادهایی برای بازتعریف و بازاندیشی آینده گردشگری ارائه می‌دهند. نویسندگان بر ارتباط گردشگری با بحران‌های جهانی مانند: تغییرات اقلیمی، پاندمی‌ها (از جمله کووید-۱۹) و نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی تأکید دارند. آن‌ها استدلال می‌کنند که ایجاد یک چارچوب تحلیلی ترارشته‌ای می‌تواند به اطلاع‌رسانی شیوه‌های عادلانه‌تر و منصفانه‌تر در گردشگری کمک کند. نویسندگان بررسی می‌کنند که چگونه می‌توانیم گردشگری را به‌سوی آینده‌ای عادلانه‌تر، پایدارتر و برابرتر تغییر دهیم. در این راستا، چارچوب تحلیلی ترارشته‌ای پیشنهاد شده است که می‌تواند به اطلاع‌رسانی در مورد شیوه‌های عادلانه‌تر و برابرتر در گردشگری کمک کند. در مطالعات داخلی حیدری ساربان و باختر (۱۳۹۸) روستاهای گردشگری پذیر کرمانشاه را با مدل ویکور مورد بررسی قرار داده‌اند. نتیجه این که گردشگری در تمامی ابعاد زندگی روستاییان تأثیر مثبت داشته است و ضریب هبستگی پیرسون نشان داد که بین گردشگری روستایی و کیفیت زندگی، تأثیر مثبت و معنی‌داری وجود دارد. با توجه به آن‌چه که در ادبیات نظری و پیشینه پژوهش مطرح شد. مدل مفهومی پژوهش در شکل (۱) به شرح ذیل می‌باشد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

(منبع: نگارنده ۱۴۰۴)

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است و به صورت پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری شامل تمامی ساکنان روستایی شهرستان بینالود با جمعیتی بالغ بر ۶۹،۶۴۰ نفر می‌باشد. شهرستان بینالود که در سال ۱۳۸۷ به عنوان شهرستانی مستقل در تقسیمات کشوری شناخته شد، دارای دو بخش طرچه و شاندیز و ۵۴ روستای دارای سکنه است که بخش قابل توجهی از آن‌ها از ظرفیت‌های گردشگری و ییلاقی برخوردارند. با توجه به گستردگی جغرافیایی و تفاوت سطح برخورداری روستاها، در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای استفاده گردید. در مرحله نخست، با مشاوره کارشناسان حوزه گردشگری و میراث فرهنگی و بر پایه شاخص‌هایی چون: جاذبه‌های طبیعی، دسترسی، میزان بازدید و سطح فعالیت‌های گردشگری، ۱۹ روستا از میان ۵۴ روستای شهرستان انتخاب شدند تا به عنوان خوشه‌های نمونه مورد بررسی قرار گیرند. در مرحله دوم، در هر روستا، نمونه‌گیری از خانوارها به صورت تصادفی ساده انجام شد تا احتمال انتخاب برای همه افراد جامعه برابر باشد. تعداد نمونه در هر روستا متناسب با جمعیت و ظرفیت گردشگری آن تعیین شد تا ترکیب نمونه از نظر پراکندگی فضایی و اقتصادی متوازن باشد. به منظور تعیین حجم نمونه، از نرم‌افزار «G*Power» استفاده شد و با در نظر گرفتن اندازه اثر کوچک ($f^2 = 0.10$)، سطح معناداری ۰.۰۵ و توان آماری (Power) برابر با ۰.۹۵، حجم نمونه مورد نیاز ۱۶۰ نفر برآورد گردید. با این حال، با توجه به ماهیت مدل معادلات ساختاری پژوهش و تعداد پارامترهای آزاد (بیش از ۱۵ پارامتر)، براساس قاعده تجربی $N \geq 10 \times$ تعداد پارامترها، حجم نمونه به ۲۰۰ نفر افزایش یافت تا کفایت آماری و قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها تضمین گردد. در نهایت، تعداد ۲۳۰ پرسش‌نامه در میان نمونه‌ها توزیع شد که از میان آن‌ها ۲۰۰ پرسش‌نامه کامل و قابل تحلیل بازگردانده شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته بود که براساس مبانی نظری عدالت فضایی و گردشگری پایدار طراحی گردید. این پرسش‌نامه در دو بخش تنظیم شد: بخش نخست شامل متغیرهای جمعیت‌شناختی و اطلاعات عمومی پاسخ‌دهندگان و بخش دوم شامل گویه‌هایی در خصوص اثرات اقتصادی گردشگری پایدار (شامل: اشتغال، درآمد، سرمایه‌گذاری و زیرساخت‌های اقتصادی) و شاخص‌های عدالت فضایی (نظیر: توزیع منابع، دسترسی به خدمات و فرصت‌های اقتصادی و مشارکت محلی) بود. گویه‌ها براساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از «بسیار کم» تا «بسیار زیاد» تنظیم شدند. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه با نظر پنج نفر از اساتید و متخصصان حوزه گردشگری و عدالت فضایی مورد تأیید قرار گرفت. همچنین برای سنجش پایایی ابزار، تعداد ۳۰ پرسش‌نامه به صورت مقدماتی در منطقه‌ای مشابه جامعه آماری اجرا و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتایج نشان داد که مقدار آلفای کرونباخ برای تمامی سازه‌ها بالاتر از ۰.۷ است که بیانگر پایایی مطلوب ابزار اندازه‌گیری می‌باشد. فرآیند گردآوری داده‌ها به صورت میدانی و از طریق مراجعه مستقیم پژوهشگر و همکاران به روستاهای منتخب انجام گرفت. برای اطمینان از تنوع دیدگاه‌ها، پاسخ‌دهندگان از میان سرپرستان خانوار، کارآفرینان محلی، فعالان گردشگری و اعضای شوراهای اسلامی روستا انتخاب شدند. پس از گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ها مورد بازبینی و کدگذاری قرار گرفتند و داده‌های نهایی در محیط نرم‌افزار «SPSS» وارد شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت پذیرفت. در سطح توصیفی، از شاخص‌هایی مانند: میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر برای ترسیم ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و بررسی وضعیت متغیرهای اصلی پژوهش استفاده شد. در سطح استنباطی، برای اطمینان از انتخاب صحیح روش‌های آماری، نرمال بودن توزیع

داده‌ها از طریق آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی گردید. در ادامه، برای آزمون روابط علی میان متغیرهای پنهان و آشکار پژوهش، از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با بهره‌گیری از نرم‌افزار «SmartPLS3» استفاده شد. در این مدل، شاخص‌های پایایی سازه‌ها از طریق پایایی ترکیبی (CR) و شاخص‌های روایی از طریق میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) و معیار فورنل و لارکر ارزیابی گردید. همچنین، جهت تحلیل‌های تکمیلی آماری و ترسیم نمودارها و نقشه‌های فضایی، از نرم‌افزارهای «SPSS»، «ArcGIS» بهره گرفته شد.

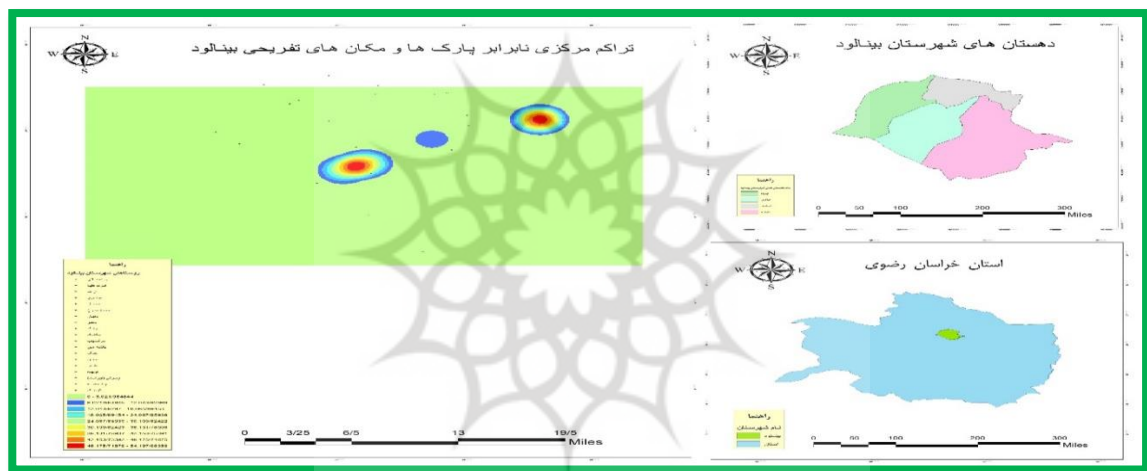
جدول ۱. معرفی متغیرهای پژوهش در زمینه گردشگری پایدار و عدالت فضایی

ابعاد	شاخص	گویه
اثرات اقتصادی	اشتغال	میزان اشتغال‌زایی در حوزه گردشگری، میزان اشتغال زنان، میزان اشتغال در صنایع دستی و محلی، میزان وابستگی جامعه به گردشگری در مقابل سایر فعالیت‌های اقتصادی
	درآمد	میزان سهم گردشگری در درآمد محلی، تقویت تسهیلات بانکی برای فعالیت‌های گردشگری، میزان افزایش قدرت خرید ساکنان روستا
	سرمایه گذاری	افزایش سرمایه‌گذاری در توسعه روستا- افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی- ایجاد زمینه پس‌انداز برای خانوارها، ایجاد زمینه پس‌انداز برای خانوارها
	اقتصاد محلی	ارائه مشوق‌های مالی مناسب به خانه‌های بوم‌گردی- اعطای وام‌های کم‌بهره- میزان آبادانی و توسعه روستا- میزان فروش محصولات باغی و دامی- میزان اجاره خانه‌ها- میزان فروش صنایع دستی-
عدالت فضایی	عدالت رویایی	برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها در جهت توانمندسازی- میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، میزان درک عدالت توسط مردم محلی، میزان آزادی افراد در رسیدن به رفاه و عدالت، فرصت‌های ارائه شده به افراد، تأمین مالی پایدار برای پروژه‌های گردشگری، درصد بودجه‌های تخصیص‌یافته به طرح‌های پایدار
	عدالت توزیعی	توزیع فرصت‌های شغلی در مناطق مختلف، توزیع عادلانه درآمد حاصل از گردشگری، توزیع خدمات عمومی (بهداشت، حمل‌ونقل و آموزش)، پراکندگی توزیع امکانات اقامتی، نسبت تعداد هتل‌ها و اقامتگاه‌ها در مناطق مختلف، فاصله جغرافیایی افراد از جاذبه‌های گردشگری، دسترسی به زیرساخت‌های گردشگری در مناطق مختلف، دسترسی به آموزش‌های مرتبط با گردشگری تعداد برنامه‌های آموزشی در مناطق مختلف
	عدالت بین نسلی	حفظ منابع برای نسل‌های آینده، انطباق سیاست‌های گردشگری بر حفظ منابع، برخورداری نسل‌های آینده از فرصت‌های برابر
	عدالت شناختی	میزان دانش و اطلاعات مرتبط با گردشگری در اختیار همه افراد، درک جامعه محلی از اثرات مثبت و منفی گردشگری، میزان آموزش لازم گردشگری، انطباق سیاست‌های گردشگری بر مبنای نیاز جامعه محلی.
منبع		Nelson et al (2025), Cui & Liu (2025), Unterhitzenberger & Lawrence (2025), Okamoto & Doyon (2024), Arkhurst & Fu (2024), Bissel et al (2024), Kosmas (2022), Khan et al(2021), Madanipour et al(2021).

منبع: (نگارندگان، ۱۴۰۴)

محدوده مورد مطالعه

این پژوهش با موضوع تجزیه و تحلیل اثرات گردشگری پایدار پیرامون بهبود عدالت فضایی روستایی منطقه مورد مطالعه شهرستان بینالود انجام شده است. این شهرستان در ۵۹ درجه و ۳ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۳۶ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۵ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه عرض جغرافیایی در شمال و شمال شرق ایران و غرب شهر مشهد قرار داشته و مساحت آن ۱۱۸۵/۳ کیلومتر مربع است. این منطقه در دامنه شرقی کوه بینالود و اغلب در ارتفاع ۱۴۰۰ قرار گرفته است (عنابستانی و عرفانی، ۱۳۹۷، ۸). این منطقه در غرب و شمال غربی مشهد قرار گرفته و یکی از بخش های شهرستان مشهد محسوب می گردد که در سال ۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد وزارت کشور در جلسه هیأت وزیران تبدیل به شهرستان شد و از دو بخش طرقبه و شاندیز و ۴ دهستان تشکیل شده است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۲۱).



شکل ۲. موقعیت منطقه مورد مطالعه
(ترسیم: نگارنده، ۱۴۰۴)

تجزیه و تحلیل داده‌ها

جدول ۲. توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه بر حسب جنسیت پاسخگویان

متغیر	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
جنسیت	زن	۲۸	۱۴	۱۴
	مرد	۱۷۲	۸۶	۱۰۰
	کل	۲۰۰	۱۰۰	
سن	۲۰ تا ۳۰ سال	۵۵	۲۷,۵	۲۷,۵
	۳۱ تا ۴۰ سال	۵۷	۲۸,۵	۵۶
	۴۱ تا ۵۰ سال	۴۵	۲۲,۵	۷۸,۵
	۵۱ تا ۶۰ سال	۳۱	۱۵,۵	۹۴
	بیشتر از ۶۰ سال	۱۲	۶	۱۰۰
	کل	۲۰۰	۱۰۰	
شغل	کشاورز	۳	۱,۵	۱,۵
	مغازه‌دار	۱۰۸	۵۴	۵۵,۵
	کارمند	۱۵	۷,۵	۶۳
	خانه‌دار	۶	۳	۶۶
	دانشجو	۱۲	۶	۷۲
	کارگر	۳	۱,۵	۷۳,۵
	آزاد	۴۷	۲۳,۵	۹۷
	بیکار	۶	۳	۱۰۰
	کل	۲۰۰	۱۰۰	
تحصیلات	سیکل	۲۷	۱۳,۵	۱۳,۵
	دیپلم	۸۹	۴۴,۵	۵۸
	فوق دیپلم	۳۳	۱۶,۵	۷۴,۵
	لیسانس	۳۶	۱۸	۹۲,۵
	فوق لیسانس	۱۵	۷,۵	۱۰۰
	کل	۲۰۰	۱۰۰	

(منبع: نتایج پژوهش، ۱۴۰۴)

از میان ۲۰۰ نفر جامعه آماری که به پرسش‌های تحقیق پاسخ داده‌اند با توجه به جدول (۲) ملاحظه می‌شود افراد پاسخ دهنده به پرسش‌نامه ۱۷۲ نفر از افراد نمونه مرد و ۲۸ نفر زن می‌باشند و ۲۷ نفر از افراد نمونه دارای تحصیلات سیکل، ۸۹ نفر دیپلم، ۳۳ نفر فوق دیپلم، ۳۶ نفر لیسانس و ۱۵ نفر در مقطع فوق لیسانس می‌باشند. همچنین اکثریت افراد نمونه مغازه‌دار (۵۴ درصد) می‌باشند و ۵۵ نفر از افراد نمونه در رده سنی بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۵۷ نفر ۳۱ تا ۴۰ سال، ۴۵ نفر بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۳۱ نفر بین ۵۱ تا ۶۰ سال و ۱۲ نفر بیشتر از ۶۰ سال می‌باشند. با توجه به جدول فوق ملاحظه می‌شود میانگین پاسخ افراد به شاخص بُعد اقتصادی برابر ۵/۰۲۶، و برای شاخص عدالت فضایی برابر ۵/۱۱۱ می‌باشد.

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار متغیرها

تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	عامل	
200	5.4500	2.49169	6.209	اثرات اقتصادی (افزایش اشتغال)	V1
200	4.7800	2.56211	6.564	اثرات اقتصادی (تنوع اشتغال)	V2
200	5.0400	2.46348	6.069	اثرات اقتصادی (سرمایه‌گذاری در توسعه روستا)	V3
200	4.8150	2.51444	6.322	اثرات اقتصادی (سرمایه‌گذاری بخش خصوصی)	V4
200	4.9150	2.44287	5.968	اثرات اقتصادی (افزایش درآمد)	V5
200	4.9400	2.41777	5.846	اثرات اقتصادی (کاهش بیکاری)	V6
200	5.2250	2.41527	5.834	اثرات اقتصادی (توسعه کسب‌وکار)	V7
200	5.0550	2.37067	5.620	اثرات اقتصادی (افزایش درآمدهای مالیاتی)	V8
200	5.0300	2.50609	6.281	اثرات اقتصادی (ارتقای فعالیت‌های صنعتی)	V9
200	4.9650	2.45845	6.044	اثرات اقتصادی (رونق صنایع‌دستی و تولیدات بومی)	V10
200	5.1350	2.47739	6.137	اثرات اقتصادی (توسعه بازارهای محلی)	V11
200	5.1650	2.38247	5.676	اثرات اقتصادی (ایجاد اشتغال زنان)	V12
200	5.0850	2.56724	6.591	اثرات اقتصادی (اشتغال جوانان)	V13
200	5.1350	2.44061	5.957	اثرات اقتصادی (میزان وابستگی به گردشگری)	V14
200	4.9900	2.43094	5.909	اثرات اقتصادی (امکان پس‌انداز)	V15
200	4.8550	2.52902	6.396	اثرات اقتصادی (میزان اعطای وام‌های کم‌بهره)	V16
200	5.0250	2.38807	5.703	اثرات اقتصادی (میزان فروش محصولات باغی و دامی)	V17
200	5.2250	2.45449	6.024	اثرات اقتصادی (افزایش قدرت خرید)	V18
200	4.9850	2.43813	5.944	اثرات اقتصادی (افزایش اجاره خانه به گردشگران)	V19
200	4.9900	2.41642	5.839	اثرات اقتصادی (افزایش توجه دولت به سرمایه‌گذاری)	V20
200	4.8350	2.56332	6.571	اثرات اقتصادی (افزایش سرمایه‌گذاری مردم محلی)	V21
200	5.0150	2.36064	5.573	اثرات اقتصادی (آبادانی روستا)	V22
200	4.9950	2.43611	5.935	اثرات اقتصادی (دسترسی به کالاهای ضروری)	V23
200	5.1500	2.44076	5.957	اثرات اقتصادی (دسترسی به بازارهای فروش محصولات روستایی)	V24
200	5.1400	2.48218	6.161	عدالت توزیعی (میزان توزیع فرصت‌های شغلی)	V25
200	5.3900	2.36981	5.616	عدالت توزیعی (میزان توزیع درآمد)	V26
200	5.3900	2.30967	5.335	عدالت توزیعی (میزان توزیع خدمات عمومی)	V27
200	5.1000	2.45564	6.030	عدالت توزیعی (میزان مشارکت مردمی)	V28
200	5.0050	2.48513	6.176	عدالت توزیعی (میزان فاصله از منابع)	V29
200	4.8100	2.57040	6.607	عدالت توزیعی (میزان فاصله از آلاینده‌های زیستی)	V30
200	5.0950	2.33306	5.443	عدالت توزیعی (ایجاد فرصت‌های درآمدزا)	V31
200	5.1100	2.48370	6.169	عدالت توزیعی (میزان توزیع هتل‌ها و اقامتگاه‌ها)	V32
200	5.0600	2.41777	5.846	عدالت توزیعی (میزان فاصله از جاذبه‌ها)	V33
200	5.0500	2.44487	5.977	عدالت توزیعی (میزان توزیع زیرساخت‌ها)	V34
200	5.2550	2.33608	5.457	عدالت رویه‌ای (میزان آموزش‌ها)	V35
200	5.1200	2.43005	5.905	عدالت رویه‌ای (میزان دسترسی به اطلاعات)	V36
200	4.9850	2.44842	5.995	عدالت رویه‌ای (میزان ادراک ساکنان)	V37
200	5.0150	2.46070	6.055	عدالت رویه‌ای (میزان شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها)	V38
200	5.1350	2.31160	5.343	میزان برخورداری افراد از آزادی، عدالت رویه‌ای	V39

V40	عدالت رویه‌ای (میزان برخورداری افراد از منصب‌ها)	5.683	2.38387	5.1600	200
V41	عدالت رویه‌ای (میزان کیفیت زندگی عمومی)	6.115	2.47284	5.0250	200
V42	عدالت رویه‌ای (میزان انصاف در پاسخگویی مسئولین)	6.607	2.57040	5.1900	200
V43	عدالت رویه‌ای (میزان دوره‌های آموزشی)	5.897	2.42839	5.1800	200
V44	عدالت معرفتی (شناخت جامعه محلی از هویت‌های قومی)	5.914	2.43186	5.1750	200
V45	عدالت معرفتی (شناخت جامعه محلی از اثرات منفی و مثبت گردشگری)	5.525	2.35045	5.1950	200
V46	عدالت معرفتی (میزان شناخت در زمینه حفظ هویت محلی)	6.561	2.56139	5.1100	200
V47	عدالت معرفتی (میزان سیاست‌های حمایتی گردشگری)	5.871	2.42307	5.0900	200
V48	عدالت معرفتی (میزان شناخت گروه‌ها و مناطق محروم گردشگری)	5.877	2.42425	5.1800	200
V49	عدالت معرفتی (شناخت انتظارات و نیازهای مردم محلی)	5.837	2.41601	5.1100	200
V50	عدالت معرفتی (میزان سیاست‌های گردشگری در جهت توانمندسازی)	5.913	2.43174	4.9650	200
V51	عدالت معرفتی (میزان شناخت نیازهای گردشگر)	6.118	2.47340	5.2700	200
V52	عدالت بین نسلی (میزان برخورداری نسل‌های آینده از فرصت‌های گردشگری)	5.415	2.32703	5.2950	200
V53	عدالت بین نسلی (سیاست‌های گردشگری جهت حفظ منابع گردشگری)	5.542	2.35416	5.3750	200
V54	عدالت بین نسلی (حفظ منابع برای نسل‌های آینده)	6.233	2.49661	5.0900	200
V55	عدالت بین نسلی (سیاست‌هایی بر مبنای شناخت عادلانه گروه‌ها)	6.577	2.56454	4.8550	200
V56	عدالت بین نسلی (آموزش‌ها جهت افزایش آگاهی جوامع محلی)	5.071	2.25181	3.7727	200

منبع: (نگارندگان، ۱۴۰۴)

یافته‌های استنباطی

در این پژوهش، برای بررسی فرضیه نرمال بودن داده‌ها، از آزمون «کولموگروف اسمیرنوف» استفاده شده است. با توجه به جدول آزمون کولموگروف، اگر سطح معناداری برای همه متغیرهای مستقل و وابسته بیشتر از ۵ درصد باشد، می‌توان نتیجه گرفت که توزیع داده‌ها نرمال است.

جدول ۴. آزمون نرمال بودن متغیرهای مدل

متغیر	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه
اقتصادی	۰,۲۵۴	$p < ۰/۰۰۱$	نرمال نیست
عدالت فضایی	۰,۱۹۴	$p < ۰/۰۰۱$	نرمال نیست
توزیعی	۰,۲۳۳	$p < ۰/۰۰۱$	نرمال نیست
رویه‌ای	۰,۲۱۸	$p < ۰/۰۰۱$	نرمال نیست
معرفتی	۰,۲۱۱	$p < ۰/۰۰۱$	نرمال نیست
بین نسلی	۰,۱۷۰	$p < ۰/۰۰۱$	نرمال نیست

(منبع: نتایج پژوهش ۱۴۰۴)

با توجه به مقادیر در جدول (۴) که سطح معناداری آزمون برای تمامی متغیرها کمتر از ۰,۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که توزیع متغیرها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کند؛ بنابراین، برای بررسی روابط متغیرهای پژوهش و بررسی فرضیات، از روش‌های ناپارامتری استفاده خواهد شد.

بررسی روابط بین شاخص‌های پژوهش

در این بخش، برای بررسی ارتباط دو به دو متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن، به بررسی ارتباط بین متغیرهای اصلی پرداخته شده است.

جدول ۵. ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

اثرات اقتصادی	عدالت فضایی	عدالت توزیعی	عدالت روبه‌ای	عدالت معرفتی	عدالت بین نسلی
۱	.619	.494	.491	.434	.449
عدالت فضایی	.619	.414	.482	.383	.445
عدالت توزیعی	.494	.414	.732	.714	.645
عدالت روبه‌ای	.491	.482	.732	.465	.438
عدالت معرفتی	.434	.383	.714	.465	.401
عدالت بین نسلی	.449	.445	.645	.438	.401

منبع: (نگارندگان، ۱۴۰۴)

نتایج جدول (۵) نشان‌دهنده ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش است؛ بین متغیر اقتصادی و عدالت فضایی همبستگی نسبتاً قوی مشاهده شد که حاکی از ارتباط مستقیم این دو شاخص است. همبستگی بین «عدالت توزیعی» و «اثرات اقتصادی» برابر با ۰,۴۹۴ است که نشان‌دهنده ارتباط قوی‌ای بین این دو وجود دارد. همبستگی بین «عدالت روبه‌ای» و «اثرات اقتصادی» برابر با ۰,۴۹۱ است که متوسط است. همبستگی «عدالت معرفتی» و «عدالت بین نسلی» با «اثرات اقتصادی» کمتر است (۰,۳۴۰ - ۰,۴۴۹) که نشان‌دهنده همبستگی ضعیف‌تر است. این اعداد نشان‌دهنده عدالت فضایی بیشترین همبستگی را با بقیه متغیرها دارد و احتمالاً نقش مرکزی یا تأثیرگذار در این مجموعه متغیرها دارد. طبق اطلاعات موجود در جدول (که تمامی اعداد بین صفر و یک قرار دارند)، سطح معناداری ضرایب همبستگی کمتر از ۵ درصد است. به عبارت دیگر، نشان‌دهنده بین همه متغیرهای پژوهش، ارتباط معناداری وجود دارد؛ از این رو، امکان بررسی فرضیه‌ها با استفاده از روش معادلات ساختاری وجود دارد.

مدل اندازه‌گیری

برای بررسی مدل اندازه‌گیری، از سه معیار اساسی؛ یعنی پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده شده است. در این راستا، پایایی تحقیق فعلی از طریق استفاده از معیار ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بررسی شده است، سپس به بررسی روایی همگرا با استفاده از شاخص‌های میانگین واریانس استخراجی و روایی واگرا با استفاده از جدول «فورنل لاکر» پرداخته شده است.

آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی

جهت سنجش پایایی در روش حداقل مربعات جزئی، برای سنجش بهتر پایایی، از هر دو روش آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی استفاده می‌شود. زمانی که هر دو مقدار پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ برای هر سازه بالای ۰,۷ می‌شود، نشان از پایایی درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری تحقیق دارد. این نتایج نشان‌دهنده آنکه ابزار اندازه‌گیری به‌طور کلی قابل اعتماد است و می‌تواند به‌درستی اطلاعات مورد نیاز را فراهم کند.

جدول ۶. نتایج آزمون آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی

شاخص	آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراجی (AVE)	ناحیه بحرانی	نتیجه
اثرات اقتصادی	۰,۹۶۲	۰,۹۶۵	۰,۵۳۲	۰/۷	تأیید
بین نسلی	۰,۸۱۸	۰,۸۷۳	0.579	۰/۷	تأیید
توزیعی	۰,۹۰۶	۰,۹۲۲	0.543	۰/۷	تأیید
رویه‌ای	۰,۸۸۵	۰,۹۰۷	0.521	۰/۷	تأیید
عدالت فضایی	۰,۸۳۸	۰,۸۹۲	0.674	۰/۷	تأیید
معرفتی	۰,۸۸۶	۰,۹۰۹	0.556	۰/۷	تأیید

منبع: (نگارنگان، ۱۴۰۴)

خروجی نرم‌افزار جدول (۶) نشان می‌دهد که هر دو معیار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای این تحقیق بالاتر از ۰,۷ است، که این نتیجه تأیید می‌کند که معیارهای آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای این پژوهش معتبر هستند.

روایی همگرایی پژوهش

معمولاً برای ارزیابی بارهای عاملی، از محاسبه مقادیر همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با آن سازه استفاده می‌شود. اگر مقدار این همبستگی برابر یا بیشتر از ۰,۴ باشد نشان می‌دهد که تغییرات بین سازه و شاخص‌ها از تغییرات خطای اندازه‌گیری کمتر است و روایی درباره مدل اندازه‌گیری قابل قبول است. در جدول زیر مشاهده می‌شود تمامی بارهای عاملی گویه‌های پرسش‌نامه پژوهش در سطح قابل قبولی هستند

جدول ۷. سنجش بارهای عاملی زیرسازه‌ها

زیر مقیاس	گویه	بار عاملی	زیر مقیاس	گویه	بار عاملی	زیر مقیاس	گویه	بار عاملی
اثرات اقتصادی	V1	۰,۷۸۷	اثرات اقتصادی	V21	۰,۷۳۸	عدالت فضایی	V41	۰,۷۴۰
	V2	۰,۷۱۰		V22	۰,۷۷۲		V42	۰,۷۵۷
	V3	۰,۷۰۰		V23	۰,۷۴۷		V43	۰,۶۹۵
	V4	۰,۷۵۷	عدالت توزیعی	V24	۰,۷۶۸	عدالت معرفتی	V44	۰,۷۷۹
	V5	۰,۶۸۸		V25	۰,۷۶۰		V45	۰,۷۴۵
	V6	۰,۷۲۴		V26	۰,۷۴۶		V46	۰,۷۵۵
	V7	۰,۷۲۶		V27	۰,۷۵۰		V47	۰,۷۶۹
	V8	۰,۷۳۰		V28	۰,۷۶۲		V48	۰,۷۱۸
	V9	۰,۷۰۹		V29	۰,۷۳۲		V49	۰,۷۵۱
	V10	۰,۶۹۵		V30	۰,۷۴۷		V50	۰,۷۲۲
	V11	۰,۶۴۱		V31	۰,۶۹۱		V51	۰,۷۲۲
	V12	۰,۶۶۵		V32	۰,۷۰۲	عدالت بین نسلی	V52	۰,۷۰۷
	V13	۰,۷۳۷		V33	۰,۷۶۰		V53	۰,۷۵۸
	V14	۰,۷۶۱		V34	۰,۷۱۷		V54	۰,۸۰۵
	V15	۰,۷۸۸		V35	۰,۷۵۱		V55	۰,۷۸۰
	V16	۰,۷۳۷	عدالت رویه‌ای	V36	۰,۶۸۰		V56	۰,۷۵۰
	V17	۰,۶۸۸		V37	۰,۷۰۲		V56	۰,۷۰۷
	V18	۰,۷۳۴		V38	۰,۷۱۶			
	V19	۰,۸۰۳		V39	۰,۷۰۶			
	V20	۰,۶۷۶		V40	۰,۷۴۵			

در جدول (۷) مشاهده می‌شود، اکثریت قریب به اتفاق گویه‌ها بار عاملی بالاتر از ۰,۷ داشته‌اند و باقی نیز در سطح قابل قبول بالای ۰,۶ قرار دارند: در بُعد اقتصادی، گویه V19 با بار عاملی ۰,۸۰۳ بیشترین همبستگی با سازه مربوطه را دارد و هیچ‌یک از گویه‌ها کمتر از ۰,۶ نیستند. در بُعد بین‌نسلی، بار عاملی گویه‌ها از ۰,۷۰۷ تا ۰,۸۰۵ بوده و از اعتبار همگرایی قوی برخوردارند. در بُعد توزیعی، مقادیر بین ۰,۶۹۱ تا ۰,۷۶۲ قرار دارند که نشان‌دهنده همبستگی مناسب است. در بُعد رویه‌ای، بارهای عاملی بین ۰,۶۸۰ تا ۰,۷۵۷ بوده‌اند. در بُعد معرفتی نیز گویه‌ها بین ۰,۷۱۸ تا ۰,۷۷۹ بار عاملی داشته‌اند که مطلوب تلقی می‌شود. این نتایج نشان می‌دهد که تمامی گویه‌های به‌کاررفته، بار عاملی قابل قبولی با سازه‌های مفهومی مربوطه دارند و بنابراین از اعتبار همگرایی مطلوبی برخوردارند.

روایی و اگرای پژوهش

روایی و اگرا؛ یعنی هر سازه (متغیر پنهان) باید بیشتر با شاخص‌های خودش همبستگی داشته باشد تا با سایر سازه‌ها. برای بررسی این موضوع، در روش فورنل و لارکر از مقایسه جذر (AVE) در قطر جدول با همبستگی بین سازه‌ها (خارج از قطر) استفاده می‌شود

جدول ۸. ماتریس سنجش روایی و اگرا به روش فورنل و لارکر

معرفتی	عدالت فضایی	رویه‌ای	توزیعی	بین نسلی	بُعد اقتصادی	اثرات اقتصادی
					0.729	
				0.761	0.561	بین نسلی
			0.737	0.564	0.629	توزیعی
		0.722	0.567	0.585	0.612	رویه‌ای
	0.821	0.821	0.839	0.809	0.728	عدالت فضایی
0.745	0.819	0.548	0.618	0.525	0.588	معرفتی

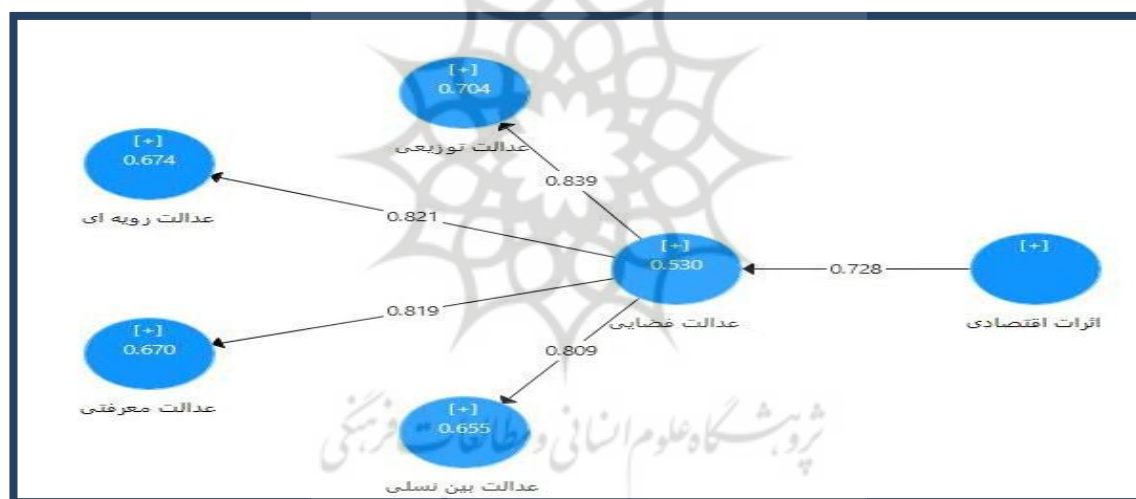
منبع: (نگارندگان، ۱۴۰۴)

با نگاه به جدول (۸)، متوجه می‌شویم که ارقام قرار گرفته در قطر اصلی ماتریس فورنل لارکر، از ارقام واقع در سمت پایین و سمت راست آن بزرگ‌تر هستند. این موضوع نشان می‌دهد که مدل‌های اندازه‌گیری استفاده‌شده در تحقیق، دارای تطابق و برازش مناسبی با واقعیت هستند.

جدول ۹. نتایج ضرایب رگرسیونی استاندارد شده

نتیجه	مقدار P	آماره آزمون T	انحراف معیار (STDEV)	ضریب	
عدم رد	0.000	13.548	0.043	0.589	اثرات اقتصادی -> عدالت بین نسلی
عدم رد	0.000	14.450	0.042	0.611	اثرات اقتصادی -> عدالت توزیعی
عدم رد	0.000	14.170	0.042	0.597	اثرات اقتصادی -> عدالت رویه‌ای
عدم رد	0.000	18.646	0.039	0.728	اثرات اقتصادی -> عدالت فضایی
عدم رد	0.000	14.018	0.043	0.596	اثرات اقتصادی -> عدالت معرفتی
عدم رد	0.000	27.368	0.030	0.809	عدالت فضایی -> عدالت بین نسلی
عدم رد	0.000	33.697	0.025	0.839	عدالت فضایی -> عدالت توزیعی
عدم رد	0.000	28.187	0.029	0.821	عدالت فضایی -> عدالت رویه‌ای
عدم رد	0.000	29.435	0.028	0.819	عدالت فضایی -> عدالت معرفتی

با توجه به جدول (۹) نتایج تحلیل مسیر، با استفاده از مدل معادلات ساختاری (SEM) نشان می‌دهد که ابعاد اقتصادی، تأثیر معناداری بر عدالت فضایی دارند؛ ضرایب مسیر برابر با ۰,۷۲۸ هستند و آماره t بالاتر از ۷ (بسیار بالاتر از آستانه بحرانی ۱,۹۶) بوده و مقدار p برابر با ۰,۰۰۰ است که نشان‌دهنده معناداری بسیار بالا در سطح ۹۹٪ است. این بدان معناست که تقویت اثرات اقتصادی گردشگری پایدار می‌تواند به بهبود عدالت فضایی کمک کند. عدالت فضایی تأثیر بسیار قوی و معناداری نیز بر ابعاد مختلف عدالت دارد؛ بالاترین ضریب مسیر مربوط به رابطه بین عدالت فضایی و عدالت توزیعی است ($\beta = 0.839$)، نشان‌دهنده این است که توزیع عادلانه منابع شدیداً به تحقق عدالت فضایی وابسته است. عدالت فضایی همچنین تأثیر بالایی بر عدالت رویه‌ای ($\beta = 0.821$)، عدالت معرفتی ($\beta = 0.819$) و عدالت بین نسلی ($\beta = 0.809$) دارد. آماره‌های t بالا بیانگر قدرت بالای مدل در تبیین روابط علی است. مقادیر بسیار پایین ($p < 0.001$) در تمام مسیرها نشان می‌دهد که تمامی روابط آزموده‌شده از نظر آماری بسیار معنادارند و فرض صفر مبنی بر عدم رابطه رد می‌شود. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که عدالت فضایی نه تنها مفهومی مستقل بلکه به‌عنوان پیشرانی کلیدی برای تحقق سایر ابعاد عدالت فضایی شناخته می‌شود.



شکل ۳. برازش مدل ساختاری

(منبع: نگارنده، ۱۴۰۴)

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان می‌دهد که اثرات اقتصادی گردشگری، رابطه‌ای مثبت و معنادار با ادراک عدالت فضایی در میان ساکنان روستاهای شهرستان بینالود دارند ($\beta = 0.728, R^2 = 0.530, p < 0.001$). با این حال، باید تأکید کرد که داده‌های این پژوهش مقطعی و مبتنی بر ادراک پاسخ‌دهندگان بوده و بنابراین، نتایج صرفاً بیانگر همبستگی‌های آماری میان متغیرها هستند و نباید به‌عنوان روابط علی تفسیر شوند. در چارچوب این پژوهش، «اثرات اقتصادی» به‌صورت مجموعه‌ای از متغیرهای مرتبط با توزیع منافع اقتصادی ناشی از گردشگری تعریف شده‌اند که شامل چهار مؤلفه اصلی‌اند: ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم در فعالیت‌های گردشگری، افزایش سرمایه‌گذاری محلی و بهبود زیرساخت‌های عمومی، بهبود سطح درآمد و رفاه خانوارهای روستایی، گسترش فرصت‌های برابر برای مشارکت اقتصادی در زنجیره ارزش گردشگری. یافته‌ها نشان می‌دهد که ادراک عدالت فضایی

در میان ساکنان، به شدت متأثر از نحوه توزیع منافع اقتصادی و دسترسی برابر به فرصت‌های شغلی و خدمات عمومی است. در واقع، روستاهایی که از زیرساخت‌های گردشگری مناسب‌تر و فرصت‌های سرمایه‌گذاری گسترده‌تری برخوردارند، سطح بالاتری از احساس عدالت فضایی را گزارش کرده‌اند. این نتیجه با دیدگاه‌های نظری لفتور (۱۹۷۴) و هاروی (۱۹۷۳) هم‌راستا است که عدالت فضایی را در پیوندی تنگاتنگ با ساختار اقتصادی فضا و نحوه تخصیص منابع می‌دانند. با وجود این، باید توجه داشت که مدل به کاررفته توان شناسایی روابط علی را ندارد و متغیرهایی مانند: سطح تحصیلات، آگاهی عمومی، موقعیت اجتماعی و دسترسی به رسانه‌ها می‌توانند نقش تعدیل‌گر در ادراک عدالت فضایی داشته باشند؛ بنابراین، تفسیر نتایج باید با احتیاط و در چارچوب محدودیت‌های روش‌شناختی پژوهش انجام گیرد.

در حالی که مطالعه حاضر با رویکردی تحلیلی و کاربردی، عدالت فضایی را در سطح روستاهای شهرستان بینالود بررسی می‌کند. ویلووساراسین (۲۰۲۵) نیز با تمرکز بر نابرابری قدرت در صنعت هتل‌داری بین‌المللی، به جنبه‌های اقتصاد سیاسی گردشگری پرداخته است که با رویکرد منطقه‌محور این پژوهش تفاوت دارد. با این حال، برخی از پژوهش‌ها از منظر مفهومی با تحقیق حاضر هم‌راستا هستند. داس و همکاران (۲۰۲۵) بر توازن میان منافع اقتصادی و عدالت اجتماعی تأکید داشته‌اند و آنیرامو و همکاران (۲۰۲۵) نقش کیفیت خدمات را در ارتقای گردشگری پایدار بررسی کرده‌اند و در پژوهش‌های داخلی با مطالعات حیدری ساربان و باختر (۱۳۹۸) مبنی بر ارتباط کیفیت زندگی و گردشگری روستایی هم‌راستا است. با توجه به آن‌چه که تحلیل شد، پیشنهاد می‌شود نظام یکپارچه‌ای برای توسعه و گسترش زیرساخت‌های خدمات عمومی (مانند: آموزش، بهداشت، حمل‌ونقل و ارتباطات) در مناطق محروم با اولویت روستاهای هدف گردشگری طراحی گردد، به گونه‌ای که با اصول عدالت فضایی هم‌راستا باشد. ضروری است چارچوبی برای استانداردسازی کیفیت خدمات عمومی در مناطق روستایی تدوین شود تا شکاف موجود میان مناطق برخوردار و کمتر برخوردار کاهش یابد. توسعه شبکه ارتباطی میان منطقه‌ای با تأکید بر راه‌های دسترسی، حمل‌ونقل عمومی و دیجیتال‌سازی خدمات، می‌تواند به کاهش فاصله مکانی و بهبود ادراک از عدالت فضایی منجر شود. تدوین «شاخص نابرابری توسعه منطقه‌ای» و به کارگیری آن در فرآیند بودجه‌ریزی منطقه‌ای، می‌تواند ابزار مناسبی برای سیاست‌گذاری عادلانه و تقویت همگرایی منطقه‌ای باشد. ایجاد سازوکارهای شفاف‌سازی تخصیص اعتبارات توسعه‌ای از طریق سامانه‌های آنلاین محلی، موجب افزایش اعتماد عمومی و ارتقای ادراک عدالت فضایی خواهد شد. پیشنهاد می‌شود الگوی توزیع منابع سرمایه‌ای دولت مبتنی بر نیازسنجی فضایی و تحلیل شکاف منطقه‌ای بازنگری شده و در قالب برنامه‌های توسعه متوازن، اجرایی گردد. ایجاد نواحی اولویت‌دار توسعه اقتصادی، با تمرکز بر جذب سرمایه‌گذاری و کارآفرینی محلی در مناطق حاشیه‌ای و کم‌برخوردار، می‌تواند نقش مؤثری در کاهش این شکاف ایفا کند. توسعه مشاغل پایدار محلی از طریق حمایت از صنایع خرد گردشگری، به ویژه در مناطق روستایی، می‌تواند انگیزه‌های ماندگاری را در جمعیت ساکن تقویت نماید. توسعه زیرساخت‌های رفاهی و خدماتی در قالب بسته‌های توانمندسازی اقتصادی می‌تواند حس تعلق مکانی و وفاداری به سکونتگاه را تقویت کند. اجرای طرح‌های گردشگری پایدار با ملاحظات محیط‌زیستی و بهره‌مندی نسل‌های آتی از منابع، نیازمند طراحی سازوکارهای ارزیابی بلندمدت اثرات پروژه‌ها و بهره‌گیری از مدل‌های پایداری بین‌نسلی است. پیشنهادهای تکمیلی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان تبیین بسته‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاران در مناطق کمتر برخوردار با هدف کاهش شکاف توسعه‌ای، راه‌اندازی نظام رتبه‌بندی عدالت در

پروژه‌های گردشگری جهت ارزیابی میزان انطباق با اصول عدالت اجتماعی و فضایی؛ توسعه مدل‌های مشارکتی در طراحی پروژه‌های گردشگری با حضور ذی‌نفعان محلی؛ ایجاد سامانه هوشمند نظارت بر عدالت فضایی در مناطق گردشگری پذیر با استفاده از (GIS). به‌طور کلی، نتایج پژوهش حاکی از آن است که بهبود شاخص‌های اقتصادی در مناطق روستایی، به‌ویژه از طریق توسعه مشاغل محلی، سرمایه‌گذاری‌های پایدار و بهبود زیرساخت‌های خدمات عمومی، می‌تواند به تقویت ادراک عدالت فضایی در میان ساکنان منجر شود.

با این حال، برای دستیابی به تصویری دقیق‌تر از روابط علی، انجام پژوهش‌های آینده با داده‌های طولی (Longitudinal) یا مدل‌های چندسطحی (Multilevel Models) پیشنهاد می‌شود تا اثرات واقعی تغییرات اقتصادی بر پویایی عدالت فضایی در گذر زمان قابل بررسی باشد.

منابع

- عناستانی، علی‌اکبر؛ عرفانی، زینب. (۱۳۹۷). مکان‌یابی بهینه تسهیلات و زیرساخت‌های گردشگری در مناطق روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بینالود). اندیشه جغرافیا، ۱۸(۹)، ۱-۲۲.
- قاسمی، مریم؛ عبداللہی، سمانه؛ خاکشور امان‌آباد، حدیثه. (۱۳۹۳). تحلیل اثرات مرحله اول طرح هدفمندی یارانه‌ها بر خانوارهای روستایی شهرستان بینالود، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، ۳(۶)، ۱۱۷-۱۳۰.
- حاتمی‌نژاد، ح؛ جوانبخت، م؛ حسینی، ح. (۱۳۹۷). عدالت فضایی در ایران، نشر پاپلی-نشر کتاب امید، چاپ اول، ۱۲۶ص.
- حیدری ساربان، وکیل. (۱۳۹۶). بررسی اثرات گردشگری در توسعه اجتماعی مناطق روستایی؛ مورد مطالعه: شهرستان مشگین‌شهر. مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۷(۲۵)، ۱۷۱-۱۸۶.
- حیدری ساربان، وکیل. (۱۳۹۷). تحلیل عوامل بهبود احساس عدالت اجتماعی شهرستان اردبیل، جغرافیا و آمایش شهری- منطقه ای، ۱۱۰-۹۱.
- حیدری ساربان، وکیل؛ باختر، سهیلا. (۱۳۹۸). سنجش و ارزیابی اثرات گردشگری پیرامون ارتقای کیفیت زندگی در مناطق روستایی؛ مطالعه موردی: روستاهای هدف گردشگری استان کرمانشاه. مهندسی جغرافیایی سرزمین، ۳(۶)، ۱۰۷-۱۲۱.
- سعیدی منفرد، ساناز؛ حنایی، تکتیم؛ شیروانی مقدم، سوسن. (۱۳۹۹). تبیین مؤلفه‌های کالبدی و عملکردی مؤثر بر عدالت فضایی در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای (مطالعه موردی: کلان‌شهر مشهد). معماری و شهرسازی پایدار، ۱۸(۱)، ۶۷-۸۱.

<https://doi.org/10.22061/jsaud.2020.4956.1437>

References

- Abbasi, F., Abaei Koupaie, M., & Rezazade Joudi, M. K. (2024). Comparative of the role of credit perceptions in the realization of spatial justice from the perspective of Tabatabai and John Rawls. *Geography (Regional Planning)*, Special Issue, (2), 297-315.
- DOI: [10.22034/JGEOQ.2023.346470.3734](https://doi.org/10.22034/JGEOQ.2023.346470.3734)
- Aniramu, T., Aniramu, O., Olawale, J., Okebugwu, J., & Odelola, R. (2025). Assessment of sustainable tourism and tourist satisfaction using importance performance analysis and regression method. *Sustainable Environment*, 11(1), 2469988.
- <https://doi.org/10.1080/27658511.2025.2469988>
- Achmani, Y., Vries, W. T. D., Serrano, J., & Bonnefond, M. (2020). Determining indicators related to land management interventions to measure spatial inequalities in an urban (re) development process. *Land*, 9(11), 448.
- <https://doi.org/10.3390/land9110448>

- Avelino, F., Wijsman, K., van Steenberg, F., Jhagroe, S., Wittmayer, J., Akerboom, S., ... & Kalfagianni, A. (2024). Just sustainability transitions: politics, power, and prefiguration in transformative change toward justice and sustainability. *Annual Review of Environment and Resources*, 49.
<https://doi.org/10.1146/annurev-environ-112321-0817>
- Arkhurst, B. K., & Fu, K. (2024). Justice-Embedded Requirements Engineering (JERE) for system design. *Proceedings of the Design Society*, 4, 2493-2502
<https://doi.org/10.1017/pds.2024.252>.
- Bavnæk, K. F., & Thuesen, A. A. (2025). Navigating spatial justice: Exploring municipal planners' logics in differentiated village planning. *Journal of Rural Studies*, 114, 103496
<https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2024.103496>.
- Bissel, M., Gossen, M., & Becker, S. (2024). CoMoDe-Matrix: introducing the contextual sustainable mobility decisions matrix. *Urban, Planning and Transport Research*, 12(1), 2418878.
<https://doi.org/10.1080/21650020.2024.2418878>.
- Cui, A., & Liu, Z. (2025). Utilizing cocoso and interval neutrosophic magdm with superhypersoft for competitiveness assessment in rural tourism of surrounding cities. *Neutrosophic Sets and Systems*, 78(1), 10.
https://digitalrepository.unm.edu/nss_journal/vol78/iss1/10.
- Deb, D., & Smith, R. M. (2021). Application of Random Forest and SHAP Tree Explainer in Exploring Spatial (In)Justice to Aid Urban Planning. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 10(9), 629.
<https://doi.org/10.3390/ijgi10090629>.
- Das, P., Mandal, S., Nedungadi, P., & Raman, R. (2025). Unveiling sustainable tourism themes with machine learning based topic modeling. *Discover Sustainability*, 6(1), 280.
<https://doi.org/10.1007/s43621-025-01065-4>.
- Deseau, A., Levai, A., & Schmiegelow, M. (2025). Access to justice and economic development: Evidence from an international panel dataset. *European Economic Review*, 104947.
<https://doi.org/10.1016/j.euroecorev.2024.104947>
- Goodwin-Hawkins, B., Mahon, M., Farrell, M., & Dafydd Jones, R. (2022). Situating spatial justice in counter-urban lifestyle mobilities: relational rural theory in a time of crisis. *Geografiska Annaler: Series B, Human Geography*, 105(4), 379–394.
<https://doi.org/10.1080/04353684.2022.2086895>.
- Higgins-Desbiolles, F., Carnicelli, S., Krolikowski, C., Wijesinghe, G., & Boluk, K. (2019). Degrowing tourism: rethinking tourism. *Journal of Sustainable Tourism*, 27(12), 1926–1944.
<https://doi.org/10.1080/09669582.2019.1601732>
- Jones, R., Goodwin-Hawkins, B., & Woods, M. (2020). From territorial cohesion to regional spatial justice: The well-being of future generations act in Wales. *International Journal of Urban and Regional Research*, 44(5), 894-912.
<https://doi.org/10.1111/1468-2427.12909>
- Kosmas, P. C. (2022). European SME Going Green 2030 Report: Review and analysis of policies, strategies and instruments for boosting sustainable tourism in Europe.
<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>
- Khan, M. R., Khan, H. U. R., Lim, C. K., Tan, K. L., & Ahmed, M. F. (2021). Sustainable Tourism Policy, Destination Management and Sustainable Tourism Development: A Moderated-Mediation Model. *Sustainability*, 13(21), 12156.
<https://doi.org/10.3390/su132112156>.

Madanipour, A., Shucksmith, M., & Brooks, E. (2021). The concept of spatial justice and the European Union's territorial cohesion. *European Planning Studies*, 30(5), 807–824.

<https://doi.org/10.1080/09654313.2021.1928040>

Mtapuri, O., & Giampiccoli, A. (2020). Toward a Model of Just Tourism: A Proposal. *Social Sciences*, 9(4), 34.

<https://doi.org/10.3390/socsci9040034>.

Milanés, C. B., Montero, O. P., Szlafsztein, C. F., & Pimentel, M. A. D. S. (2020). Climate change and spatial justice in coastal planning in Cuba and Brazil. *Ambiente & Sociedade*, 23, e01841.

<https://doi.org/10.1590/1809-4422asoc20190184r1vu2020L6TD>

Nelson, R., Warnier, M., & Verma, T. (2025). Ethically informed urban planning: measuring distributive spatial justice for neighbourhood accessibility.

<https://doi.org/10.21203/rs.3.rs-4293613/v2>

Okamoto, T., & Doyon, A. (2024). Equity and justice in urban coastal adaptation planning: new evaluation framework. *Buildings & Cities*, 5(1),

<https://doi.org/10.5334/bc.377>.

Pinto, H., Barboza, M., & Nogueira, C. (2025). Perceptions and Behaviors Concerning Tourism Degrowth and Sustainable Tourism: Latent Dimensions and Types of Tourists. *Sustainability*, 17(2), 387.

<https://doi.org/10.3390/su17020387>

Petrakos, G., Topaloglou, L., Anagnostou, A., & Cupcea, V. (2021). Geographies of (in)justice and the (in)effectiveness of place-based policies in Greece. *European Planning Studies*, 30(5), 899–916.

<https://doi.org/10.1080/09654313.2021.1928050>

Pervaiz, B., Manzoor, M. Q., Gull, R. H., & Goshi, S. (2025). Sustainable Tourism Development in Pakistan: Economic Opportunities and Environmental Challenges. *Pakistan Journal of Humanities and Social Sciences*, 13(1), 123–133.

<https://doi.org/10.52131/pjhss.2025.v13i1.2642>

Ruiz-Pérez, M., Moragues, A., Seguí-Pons, J. M., Muncunill, J., Goyanes, A. P., & Fernández, A. C. (2023). Geographical distribution and social justice of the COVID-19 pandemic: The case of Palma (Balearic Islands). *GeoHealth*, 7, e2022GH000733.

<https://doi.org/10.1029/2022GH000733>.

Rastegar, R., Higgins-Desbiolles, F., & Ruhanen, L. (2021). COVID-19 and a justice framework to guide tourism recovery. *Annals of Tourism Research*, 91, 103161.

<https://doi.org/10.1016/j.annals.2021.103161>.

Rastegar, R., Higgins-Desbiolles, F., & Ruhanen, L. (2023). Tourism, global crises and justice: rethinking, redefining and reorienting tourism futures. *Journal of Sustainable Tourism*, 31(12), 2613–2627.

<https://doi.org/10.1080/09669582.2023.2219037>.

Saeedi Monfared, Sanaz; Hanaei, Taktam; Shirvani Moghadam, Sosan. (2020). Explaining the Physical and Functional Components Affecting Spatial Justice in Marginal Settlements (Case Study: Mashhad Metropolis). *Sustainable Architecture and Urban Design*, 8(1), 67–81.

<https://doi.org/10.22061/jsaud.2020.4956.1437> [In Persian]

Setianto, M. A. S., & Gamal, A. (2021, February). Spatial justice in the distribution of public services. In *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science* (Vol. 673, No. 1, p. 012024). IOP Publishing.

[DOI 10.1088/1755-1315/673/1/012024](https://doi.org/10.1088/1755-1315/673/1/012024).

Siddik, A. B., Forid, M. S., Yong, L., Du, A. M., & Goodell, J. W. (2025). Artificial intelligence as a catalyst for sustainable tourism growth and economic cycles. *Technological Forecasting and Social Change*, 210, 123875.

<https://doi.org/10.1016/j.techfore.2024.123875>.

Unterhitzberger, C., & Lawrence, K. (2025). Fairness matters: organisational justice in project contexts. *Production Planning & Control*, 36(1), 45-60.

<https://doi.org/10.1080/09537287.2023.2251424>.

Veilleux, A., & Sarrasin, B. (2025). Quality Tourism in Thailand: Towards Sustainable Tourism or Further Wealth Concentration? *Tourism and Hospitality*, 6(1), 34.

<https://doi.org/10.3390/tourhosp6010034>.

Wang, K., Lu, J., & Liu, H. (2023). How Does Spatial Injustice Affect Residents' Policy Acceptance of the Economic-Social-Ecological Objectives of Construction Land Reduction? *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 20(4), 2847.

<https://doi.org/10.3390/ijerph20042847>.

Wei, J., Ji, C., Wu, J., & Li, J. (2023). The New Urbanization Construction Empowered By Sports Industry: Based on the Perspective of Spatial Justice Analysis. *Journal of Civil Engineering and Urban Planning*, 5(7), 41-48.

DOI: [10.23977/jceup.2023.050707](https://doi.org/10.23977/jceup.2023.050707)

Widawski, K., Krzemińska, A., Zaręba, A., & Dzikowska, A. (2023). A Sustainable Approach to Tourism Development in Rural Areas: The Example of Poland. *Agriculture*, 13(10), 2028.

<https://doi.org/10.3390/agriculture13102028>.

Zaleckis, K., Jankauskaite-Jureviciene, L., Vitkuvienė, J., & Grazuleviciute-Vileniske, I. (2024). Urban vision workshop methodology-a tool for spatial justice. *Acta Scientiarum Polonorum Administratio Locorum*, 23(4), 467-492.

<https://czasopisma.uwm.edu.pl/index.php/aspal>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی